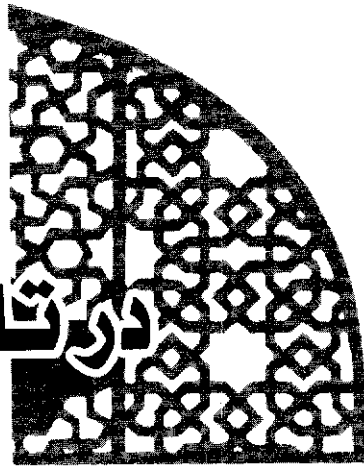


# تقدس گندم و نان دور تاریخ و در ادیان توحیدی



## مقدمه

دستاورد‌های دیرینه‌شناسی و بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که انسان گندم را از دوره مفرغ می‌شناخته و آن را از آن زمان مورد استفاده قرار می‌داده است.

باستان‌شناسان از کاوش در خرابه‌های قدیمی به این نتیجه رسیده‌اند که تمدن بشر با استفاده از گندم یا جو در دره‌ها و دامنه‌های مشرف به دجله و فرات آغاز شده است. این منطقه هم‌اکنون شامل کشورهای ترکیه، عراق و سوریه است. کاوش‌ها در این منطقه نشان می‌دهد که در حدود ده تا شانزده هزار سال قبل، ساکنان این منطقه به کاشت گندم یا جو و یا نمونه‌هایی از آن اشتغال داشتند (بهنیا ص ۱).

در حفاری‌های ژارمو<sup>۱</sup> نزدیک سلیمانیه عراق، گندم‌هایی به دست آمده است که با استفاده از کربن رادیو اکتیو، عمر آن به حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش تخمین زده می‌شود (وزارت کشاورزی، شناسنامه تصویری). دانه‌های گندم و جو به دست آمده در حفاری‌های نخت جمشید و دامغان مربوط به پنج تا شش هزار سال پیش است. پروفیسور گریشمن، شرق‌شناس فرانسوی، ایران را خاستگاه انواع گندم‌ها در جهان می‌شناسد. به عقیده وی گندم از ایران به مصر و اروپا راه یافته است (صادقی فروشانی، ص ۳).

نان یکی از قدیمی‌ترین و عزیزترین نعمت‌های الهی و حاصل تلاش انسان است. کم‌تر ملتی در دنیا وجود دارد که نان را به عنوان برکت و عامل حیات نداند. در کشور ما هم‌اکنون در حدود ۷۵٪ پروتئین و ۶۵٪ انرژی روزانه مورد نیاز مردم از گندم و مشتقات آن تأمین می‌شود. از این رو فداست و حرمت گندم و نان در تاریخ و در ادیان توحیدی سابقه‌ای دیرین و جایگاهی بااهمیت دارد. نه تنها گندم و نان یار دیرینه بشر به شمار می‌رفته و می‌رود، بلکه در گذشته، در مقابر مرده‌ها برای خوراک ارواح نیز گندم می‌گذاشتند. فتنیست‌ها<sup>۲</sup> که همه اجزای بی‌جان را دارای قدرت تصور می‌کردند و آنیمیست‌ها<sup>۳</sup> که علاوه بر آن، اشیاء را دارای روح و روان می‌دانستند گندم را از مظاهر قدرت می‌پنداشتند (هاپلین، ۱۷۵).

پیشینیان معتقد بودند که بسیاری از خدایان چند هزار سال پیش، به گندم توجه خاصی داشتند و حتی خدایان گندم و جو نامیده می‌شدند (رب‌النوع «گندم» و «جو»). خدایان مصری، بابلی، سومری، یونانی، هندی و چینی هر کدام به نحوی موجد و حافظ گندم بودند و به کشت و برداشت آن توجه خاصی داشتند.

با توجه به قداستی که گندم طی هزاران سال به عنوان رکن اساسی تغذیه انسان یافته است، نان گندم به عنوان میمنت و مبارکی در سفره عقد و ازدواج اکثر پیروان ادیان



نان یکی از قدیمی ترین و عزیزترین  
نعمت های الهی و حاصل تلاش انسان است  
کم تر ملتی در دنیا وجود دارد که نان را  
به عنوان برکت و عامل حیات نداند

ادبیات سامی و بابلی آثاری از نان و نان پزی وجود دارد.  
(پایان، ص ۱۳)

نابلئون علت اصلی شکست خود را در جنگ،  
نرسیدن به موقع نان به سربازان می داند و معروف است  
که در تمامی جنگ ها، حرف اول را اسلحه می زند، اما  
حرف آخر را همیشه نان می زند. (پایان، ص ۱۴)

شعار جنگ بین الملل اول عبارت بود از: «هرکسی که  
گندم داشته باشد در جنگ پیروز است.» (ص ۲۸۴)  
یونانی ها گندم را به الهه حاصل خیزی نسبت داده و  
در معابد به خدایان خود هدیه می دادند. (پایان، ص ۱۴)

گندم در ادیان توحیدی  
الف. در اسلام

در اسلام به کشاورزی و زراعت توجه خاصی مبذول شده  
است. در کلام الله مجید در آیات ۴۶ و ۴۷ سوره یوسف  
در باره کاشت غلات این گونه آمده است:

«قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سَنِينَ ذَاتًا قَمَا خَصَدْتُمْ قَدْرَهُ  
فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ  
ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا  
تُخْصُونَ.»

گفت بکارید هفت سال پیوسته، آنچه درو کردید به  
صورت سنبل نگه دارید، مگر مقدار مختصری که

مختلف گذاشته می شود. در شهرهای بزرگ ایران در سفره  
عقد مسلمانان نان سنگک و در سایر مناطق نان خانگی و  
لواش، در سفره عقد مسیحیان و کلیمیان نان فطیر و در  
سفره عقد زرتشتی ها نان لواش خانگی گذاشته می شود.  
هر یک از زوجین پس از خطبه عقد به عنوان تبرک یک  
لقمه نان می خورند و به یکدیگر تعارف می نمایند.

یک ضرب المثل آذری می گوید: «تا خیل السون عشق  
السون؛ غله که باشد عشق هست» و یک ضرب المثل  
آلمانی می گوید: «نان گونه را سرخ نگه می دارد.»

مصریان گندم را به الهه حاصل خیزی نسبت داده اند و  
به گفته هرودت مؤرخ یونانی، مصریان در سال های قبل از  
میلاد طرز تهیه پنجاه نوع نان را می دانستند که لوح های  
مصوری از آن به یادگار مانده است (پایان، ص ۱۳).

رومیان گندم را به الهه زراعت نسبت داده اند و در  
مراسم مذهبی مربوطه خوشه های گندم را به خدایان خود  
هدیه می داده اند (ایضاً، ص ۱۳).

سقراط، فیلسوف بزرگ یونان که در سال های ۴۷۰ تا  
۴۰۰ قبل از میلاد می زیسته، مطلب مهمی در خصوص  
حکومت ها و گندم گفته است که بسیار حائز اهمیت  
است: «کسی که از مسائل گندم چیزی نداند، لایق

حکومت کردن نیست.» (بهنیا، ص ۱۸۱)

چینی ها گندم را هدیه ای از بهشت می دانند و در



می‌خورید. چون هفت سال قطعی در پیش خواهید داشت که ذخایر قبلی خود را مصرف خواهید کرد و تنها مقدار کمی برای شما خواهد ماند.»

آیات فوق، به مردم می‌آموزد تا در روزگار فراوانی به فکر فردای سخت خود باشند و نیز غله را به صورت سنبل نگاه دارند تا از صدمه آفات انباری مصون بماند، نه اینکه دانه گندم را پس از خرمن‌کوبی انبار کنند. کلمه سُنْبَلَه در آیه ۲۶۱، سوره بقره نیز آمده است:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبْتَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

مثال کسانی که مال‌هایشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد. خدا پاداش هر که را بخواهد چند برابر می‌کند، چون خداوند گشایش دهنده داناست.»  
گرچه در آیات فوق به طور مستقیم به گندم اشاره نشده، ولی چون ما آرایش دانه‌های گندم، جو و چاودار را از نظر گیاه‌شناسی به صورت سنبل می‌دانیم، به علاوه گندم و جو و چاودار می‌توانند پنجه بزنند و هر سنبل آنها نیز می‌تواند در حدود ۱۰۰ دانه داشته باشد، چون چاودار غله مناطق سردسیر می‌باشد و در همه جا نمی‌روید، قاعدتاً اشاره آیات فوق باید متوجه گندم و جو باشد.

نگرشی بر احادیث و روایت‌های اسلامی نیز حائز اهمیت بسیار است. در این مورد چند حدیث از حضرت پیامبر (ص) آورده می‌شود: «مَنْ لَامَعَاشَ لَمْ، لَا مَعَادَةَ» یعنی «کسی که معاش ندارد آخرت هم ندارد، یا آدم گرسنه ایمان ندارد.» (بهنیا، ص ۵۴)

«أَكْرِمُوا الْخُبَيْرَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا تَبِنَ الْقَرِيشَ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا فِيهَا مِنْ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ؛ نَانَ رَا كَه فِرْأوردَة كِشاورزی است، عزیز دارید، چه آنکه عوامل سماوی و ارضی و بسیاری از آفریده‌های خدا در ایجاد آن مؤثر بوده‌اند.»

«أَكْرِمُوا الْخُبَيْرَ فَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَهُ مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاءِ وَ أَخْرَجَهُ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ؛ نَانَ رَا گرامی دارید زیرا خداوند آن را از برکات آسمان فرو فرستاد و از برکات زمین بیرون آورد.»  
«ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْبَرَكَةُ: الْبَيْعُ إِلَى آجَلٍ وَ الْمُقَارَضَةُ وَ اخْتِلاطُ الْبُرِّ بِالسَّعِيرِ اللَّبِيبِ لَا لِلْبَيْعِ؛ سه چیز مایه برکت است، فروش نسبه و فرض دادن به یکدیگر و مخلوط کردن گندم با جو برای مصرف و نه برای فروش.»

«ما مِنْ مَسْلَمٍ يَغْرَسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَاكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِصَدَقَةٍ؛ هیچ مسلمانی نیست که درختی یا گیاهی بکارد و از آن انسان یا پرنده یا حیوانی استفاده کند و برای او صدقه نداشته باشد.» (توسعه کشاورزی، ص ۴)

ضمناً حضرت محمد(ص) و سلمان فارسی بر سر خرده نانی که در سر راه آنها به مسجد افتاده بود، بر یکدیگر سبقت گرفتند.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «گرامی بدارید نان را، به درستی که خداوند برکات آسمان را با آن نازل می‌فرماید.» (بهنیا، ص ۷۰)

در بین امام‌ها، حضرت امام جعفر صادق(ع) بیش از دیگران توصیه به کشت گیاهان و غرس اشجار فرموده‌اند که تنها به ذکر چند روایت از ایشان اکتفا می‌شود:

«ان الله جعل ارزاق الانبياء في الزرع و الذرع؛ خداوند روزی پیامبران را در کشاورزی و دامداری قرار داده است، یعنی انبیاء(ع) از راه کشاورزی و دامداری امرار معاش کرده‌اند.» (توسعه کشاورزی، ص ۵)

«ازرعو و اغرسوا و الله ما عمل الناس عملاً أحل و اطيب منه؛ کشت کنید و درخت بنشانید، به خدا سوگند که عملی از اعمال مردم حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست.» (توسعه کشاورزی، ص ۴)

در نزد سالکان و عارفان نیز تا آن حد سیر کردن شکم گرسنه اهمیت دارد که به هنگام سیر کردن شکم یک گرسنه نباید از دین و ایمان و نژاد او پرسید. در این مورد به نقل از شیخ ابوالحسن خرقانی بر سر در خانقاه او چنین آورده شده است: «هر که در این سرا درآید، نانمش دهد و از ایمانش مه‌رسید، چه آن کس که در نزد خداوند تبارک و تعالی به جان ارزد، در نزد ابوالحسن به نان ارزد.»

خواجeh عبدالله انصاری نیز فرموده است: «نان همه کس را مخور و نان خود را از هیچ کس دریغ مدار. نان در ادبیات فارسی مقامی بس ارجمند دارد که به

تنهایی می‌تواند کتابی را به خود اختصاص دهد، لیکن در این جا تنها به ذکر دو نمونه از اشعار مولانا و شهریار اکتفا می‌شود:

گسندمی را زیر خساک انداختند

پس ز خساکش خوشه‌ها بر ساختند  
بار دیگر کوفتندش ز آسیا

قیمتش افزود و نان شد جان فزا  
باز نان را زیر دندان کوفتند

گشت عقل و جان و فهم هوشمند  
باز آن جان چونکه محو عشق گشت

بسمجب الزراع آمد بعد گشت  
«مولانا»

نان به بهای جان

عسرب گسّم شده‌ای را دیدم  
بسه ره بادیه سرگردان است

ضعف و بسی‌حالی‌ش از گرسنگی  
آنسچه در وصف نباید آن است

از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: همه شما از این بنوشید زیرا این است خون من که اجرای پیمان تازه را تأیید می‌کند و برای آموزش گناهان بسیاری ریخته می‌شود...» (انجیل شریف، صفحات ۱۸۴-۱۸۲)

در کتاب انجیل شریف یا عهد جدید مکرراً از گندم و آرد و نان صحبت شده است. در این کتاب از خوردن دانه گندم توسط حواریون حضرت عیسی و نیز از خمیر مایه و از داس درو و دستاس صحبت به میان آمده و در آخرین شب به مناسبت عید فصح نیز حضرت عیسی همان‌طور که گفته شد، نان فطیر را به قطعات تقسیم کرد و به حواریون خود داد و آن قطعات را بدن خود نامید. (انجیل شریف، ص ۲۳۷)

حضرت عیسی (ع) (پس از غسل تعمید) چهل روز چیزی نخورد و در این مدت ابلیس او را می‌آموزد، چون چهل روز تمام شد و به شدت گرسنه گردید، ابلیس به او گفت: «مکتوب است که انسان فقط به نان زیست نمی‌کند بلکه با نام و یاد خدا.» (انجیل یوحنا، آیات ۴۸-۵۸)

در انجیل متی، باب ۱۳: ۹-۱۰ و انجیل مرقس، باب ۹-۱۴، داستان برزگر چنین آمده است: «وقتی مردم از شهرهای اطراف به دیدن عیسی آمدند و جمعیت زیادی در اطراف او جمع شدند، حضرت عیسی مثلی زد و گفت: برزگری برای بذر افشاندن بیرون رفت، وقتی بذر پاشید مقداری از آن در گذرگاه افتاد و پایمال شد و پرندگان آنها را خوردند، مقداری هم در زمین سنگلاخ افتاد و پس از آن که رشد کرد، به علت فقدان رطوبت خشک شد. بعضی از دانه‌ها در داخل خارها افتادند، خارها با آنها رشد کرده، آنها را خفه نمودند. بعضی بذرها در خاک خوب افتادند و رشد کردند و صد برابر ثمر دادند.»

در تفسیر داستان برزگر در انجیل متی ۱۳: ۱۸-۲۳ و انجیل مرقس، ۴: ۱۳-۲۴ چنین آمده است: «دانه‌ها کلام خداست. دانه‌هایی که در گذرگاه افتادند، کسانی هستند که پیام خدا را می‌شنوند اما ابلیس کلام را از دل‌هایشان می‌رباید. دانه‌های کاشته شده در سنگلاخ، به کسانی می‌ماند که وقتی کلام را می‌شنوند با شادی می‌پذیرند، اما کلام در آنها ریشه نمی‌دواند. دانه‌هایی که در میان خارها افتادند بر کسانی دلالت دارد که کلام خدا را می‌شنوند، اما حرص دنیا و خوشی‌های زندگی، کلام را در آنها خفه می‌کند و هیچ‌گونه ثمری نمی‌آورند. اما دانه‌هایی که در خاک خوب افتادند، بر کسانی دلالت دارد که کلام خدا را با قلبی صاف و پاک می‌شنوند و آن را نگه می‌دارند و با پشتکار ثمرات فراوانی به بار می‌آورند.»

در یک اجتماع، مردم به حضرت عیسی (ع) گفتند: «اگر می‌خواهی که ما به تو ایمان آوریم باید به ما معجزه‌ای نشان دهی، هر روز به ما نان مجانی بده

سخت پڑمان و پسریشان آری  
 هول جان است و دو صد چندان است  
 نگران بود به هر سو ناگاه  
 دیده افتاد یکی انبان است  
 از زمینش بر بود و بگشود  
 به امیدی که در انبان نان است  
 لیک بار دگرش زد به زمین  
 گسفت افسون در و مرجان است  
 آری ایسن نان بدین ارزانی  
 گسر نباشد به بهای جان است  
 در و مرجان گران قیمت نیز  
 همه بسا تنگی نان ارزان است  
 جز غم نان که در و مشکل هاست  
 کنار هر درد دگسر آسان است  
 با همه درد توان ساخت ولی  
 وای از ایسن درد که بی‌درمان است  
 «از استاد شهریار»



#### ب. در نزد مسیحیت

در نزد مسیحیان نیز گندم و نان از تقدس خاصی برخوردار است. در کتاب انجیل شریف یا عهد جدید چنین آمده است: در نخستین روز عید فطیر پس از آن که شاگردان به دستور عیسی مسیح (ع) شام فصح<sup>۴</sup> را آماده ساختند، شام هنوز تمام نشده بود که عیسی نان را برداشت و پس از شکرگزاری آن را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت: بگیریید و بخورید، این است بدن من. آنگاه پیاله را برداشت و پس

همان‌طور که موسی به اجداد ما می‌داد. کتاب مقدس هم می‌گوید که موسی از آسمان به افراد نان می‌داد. «عیسی فرمود: «قبول کنید که این پدر من بود که به ایشان نان می‌داد، نه موسی و حالا هم اوست که می‌خواهد نان واقعی را از آسمان به شما بپسند. این نان واقعی خود من هستم. هر کس پیش من بیاید، دیگر گرسنه نمی‌شود و کسانی که به من ایمان بیاورند، هیچ‌وقت تشنه نمی‌شوند. آن نان آسمانی در واقع بدن من است. هر کس بدنم را بخورد و خونم را بنوشد، زندگی جاوید دارد و من در روز قیامت او را زنده می‌کنم. (انجیل به قول یوحنا، باب ۶)

در مراسم عشاء ربانی و نیز وقتی که مراسم توبه برگزار می‌شود، قدیسین به جام مقدس نزدیک می‌شوند و توسط کشیش نان فطیر به آنها داده می‌شود. خوردن نان فطیر به مثابه پذیرش حضرت عیسی مسیح (ع) می‌باشد. (انجیل به قول یوحنا، باب ۶ و لوقا، باب ۳)  
نان در مسیحیت آن قدر متبرک است که حضرت عیسی (ع) تن خود را به نان تشبیه کرده است. (با استفاده از انجیل‌های چهارگانه)

خلاصه مطلب، مسیحیان نان را مقدس می‌شمردند و هنوز هم در مراسم مذهبی خود قرص‌های کوچک نان را به نشانه جزئی از پیکر عیسی مسیح (ع) به شرکت‌کنندگان می‌دهند و در دعای سفره خود، از خدای بزرگ می‌خواهند که نان روزانه آنان را عطا کند و در واقع از نان به عنوان سمبل رزق و روزی یاد می‌کنند. (پایان صفحه ۱۳)



در دنیای امروز، گندم نه تنها یک ماده غذایی و مهم محسوب می‌شود، بلکه از لحاظ سیاسی نیز از اهمیت بالاتر و برتر از نفت برخوردار است

ج. در نزد کلیمیان

از تقدس نان در دین و قوم یهود چنین آمده است: «آنگاه

خداوند به موسی گفت همانا من نان از آسمان برای شما می‌بارانم و قوم کفایت هر روز را در روزش گیرند، تا ایشان را امتحان کنم که به شریعت من رفتار می‌کنند یا نه... در بامدادان روز ششم، شبنمی گرداگرد اردو نشست، چون شبنمی که نشسته بود برخاست، بر روی صحرا اجزائی مدور و خرد مثل زاله بر زمین بود. چون بنی اسرائیل این را دیدند، به یکدیگر گفتند که این نان است. موسی به اشاره گفت: این آن نان است که خداوند به شما می‌دهد تا بخورید (کتاب مقدس تورات سفر خروج ۱۶: ۱۵-۱۷)

خوراک عمده اسرائیلی‌ها بیش‌تر از قسمت خارجی دانه گندم بود که شامل سیوس و اجزای فیبری است. در حال حاضر مشخص گردیده که چقدر غذای فیبردار در هضم سالم و در کارکرد مؤثر جهاز هاضمه سودبخش است. سیوس گندم سرشار از ویتامین B و سایر ویتامین‌ها و پروتئین می‌باشد. یک تیم تحقیق تعدادی از افراد را به طور داوطلب انتخاب نمودند و به آنها سیوس گندم، هویج، کلم و سیب دادند. نتایج تحقیق نشان داد که هیچ یک از غذاها قابلیت رقابت با سیوس گندم را نداشتند. (غذاهای شفابخش، ص ۹۰)

عید فطیر<sup>۶</sup> در نزد یهودیان به یادبود خروج بنی اسرائیل از مصر و رهایی از بردگی و عبور از بحر احمر و... می‌باشد. عید فطیر از ۱۵ ژانویه به مدت ۸ روز توأم با روزه‌گیری شروع می‌شود. در این مدت کلیمی‌ها از خوردن نان معمولی امتناع می‌ورزند و در عوض از نان فطیر ورنیامده، به یاد روزهای فرار از مصر که فرصت کافی برای پختن نان نداشتند، استفاده می‌کنند.

#### د. در آیین زرتشت

زرتشت پیامبر نیز مردم را به نظافت و زراعت و به پروردن حیوانات اهلی امر می‌کرد و می‌گفت کسی که به زراعت مشغول شود، دست او مقدس است. دستی که خاک را شیار کند مثل این است که هزار قربانی کرده است. اهرمن وقتی که یک مزرعه سبز می‌بیند، گریه می‌کند و به خانه‌ای که در آن جا گندم زیاد باشد، نمی‌تواند داخل شود.<sup>۷</sup> در نظر زرتشت، بهترین شغل‌ها زراعت بود، زیرا با شخم‌زدن و حاصل خیز ساختن یک زمین خالی، ضربتی به اهرمن زده می‌شود.

«زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد: پاک‌ترین نقطه قانون خداپرستی کدام است؟ اهورامزدا جواب می‌دهد: افشاندن تخم‌های قوی است در خاک. هر کس این کار را کند مانند این است که صد آفریده را جان داده و هزار محصول به عمل آورده و یا هزار دعا خوانده است.»<sup>۸</sup> می‌توان گفت که عمده نقطه‌نظرهای زرتشت در شعارهای زیر نهفته است. (وندیداد، بخش یکم)

۱. هر کس گندم می‌کارد، راستی می‌افزاند.

۲. تو ای آفریدگار جهان مادی بفرما سوئین جایی که زمین شادمان است کجاست؟ «آن جایی که یکی از خدایرستان غله کشت کند و میوه بکارد، زمین تشنه را آبیاری کند و باتلاقی را بخشکاند. (۱) و ندیداد، بخش یکم»

۳. ای دادار جهان استومند (مادی)، ای اشون (پاک و مقدس) کیست چهارمین کسی که زمین را بیش‌تر از همه شادکام کند؟ اهورامزدا پاسخ داد: ای سپنتمان زرتشت، کسی که هر چه بیش‌تر گندم و گیاه و درختان میوه بکارد، کسی که زمین‌های خشک را آبیاری و زمین‌های خیس (پرآب) را زه‌کشی نماید. (۲۳) و ندیداد، بخش یکم»

۴. ای دادار جهان استومند (مادی)، ای اشون (پاک و مقدس)، کدام است خوراکی که دین تو را سیر کند؟ اهورامزدا پاسخ داد: ای سپنتمان زرتشت، کشت گندم است. (۳۰) و ندیداد، بخش یکم»

۵. زرتشت در توصیف کشت گندم و تبدیل آن چنین فرماید: «هنگامی که جویبار آید، دیوان از جا می‌جهند، هنگامی که فراوان بروید، دل دیوان از هراس می‌لرزد، هنگامی که گندم آرد شود، دیوان ناله برمی‌آورند. هنگامی که گندم خمیر می‌شود، دیوان نابود می‌شوند. در خانه‌ای که گندم این چنین به بار آید، دیوان بیش‌تر نم‌پایند و دور رانده می‌شوند، هنگامی که در خانه‌ای انباری از گندم باشد، چنان است که آهن سرخ‌گداز در گلوگاه دیوان به گردش درآید. (۲۳) و ندیداد، بخش یکم»

موبد باید به مردمان بیاموزد که هیچ‌کس بی‌خوراک، توان آن را ندارد که برزیگری کند، توان آن را ندارد که فرزندان پدید آورد. هر یک از آفریدگان با خوردن زنده می‌ماند و با نخوردن می‌میرد. (۳۳) و ندیداد، بخش یکم»<sup>۱۰</sup>

## گندم از نظر سیاست

در دنیای امروز، گندم نه تنها یک ماده غذایی و مهم محسوب می‌شود، بلکه از لحاظ سیاسی نیز از اهمیتی بالاتر و برتر از نفت برخوردار است. باید گفت سلاح گندم از سلاح نظامی قدرتمندتر است. اهمیت استراتژیک گندم در سقوط دولت آئنده در شیلی و در متلاشی‌کردن شوروی سابق - ابرقدرت شرق - کاملاً مشخص است.

اهمیت سیاسی و اقتصادی غلات به‌ویژه گندم، از آن‌جا ناشی می‌شود که صادرکنندگان غلات در دنیا گروهی متشکل و منسجم می‌باشند، در حالی که تزلزل و تک‌روی در بین کشورهای صادرکننده نفت که اکثراً از کشورهای کوچک و در حال توسعه می‌باشند، به‌طور مکرر مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که با یک تهدید

ابرقدرت‌ها موضع خود را عوض می‌کنند. اهمیت این حربه آن‌طور که باید و شاید هنوز شناخته نشده است. ابرقدرت غرب از این حربه پیوسته در کسب منافع کوتاه‌مدت و درازمدت خود استفاده کرده است. کما اینکه در دیپلماسی کیسینجر،<sup>۱۱</sup> وزیر امور خارجه سابق آمریکا چنین آمده است:

«کمیود مواد غذایی و غلات، از جمله عوامل بی‌ثباتی سیاسی محسوب می‌شود و آنها را در موارد استثنایی برای حفظ منابع درازمدت باید به کار برد.»

بلاک آمریکایی نیز در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «اکنون نیرومندترین سلاحی که ما برای تأمین صلح در اختیار داریم، حربه غلات و مواد غذایی است.» (صادقی فروشانی، ص ۱۳)

امروزه که کشورهای صادرکننده گندم به قدرت سبز مشهورند، تحریم‌های غذایی نیز از حربه‌های این قدرت به شمار می‌آید. در حالی که انبارها و سیلوهای کشورهای تولیدکننده عمده و شرکت‌های چندملیتی صادرکننده<sup>۱۲</sup> انباشته از ذخایر مازاد گندم می‌باشد، مردم کشورهای آفریقایی و آسیایی در تب و تاب قحطی مواد غذایی می‌سوزند. در همین ایام در اروپا غلات به عنوان جانشین سوخت برای تهیه اتانول صنعتی و یا سوخت لوکوموتیو به کار می‌رود. در آمریکا نیز برای جلوگیری از کاهش قیمت‌ها، میلیون‌ها تن گندم سوزانده و یا در دریا ریخته می‌شود. (بهنیا، ص ۱۰)

این ماده حیات‌بخش که روزی مورد استفاده شیطان رحیم درجهت پیروزی بر حضرت آدم ابوالبشر قرار گرفت و موجب اخراج وی و حضرت حوا از بهشت گردید، امروز هم متأسفانه به صورت حربه‌ای بس کاری‌تر از شمشیر، در دست شیاطین زمان قرار دارد.

## تولیدکنندگان عمده گندم

در سال ۲۰۰۰ پنج کشور عمده تولیدکننده و صادرکننده گندم جهان به ترتیب صادرات عبارت بوده‌اند از آمریکا با ۲۶/۲٪ (۳۰ میلیون تن)، کانادا ۱۷/۳٪ (۱۹/۴ میلیون تن)، اروپای متحد ۱۵/۵٪ (۱۷/۴ میلیون تن)، استرالیا ۱۵/۲٪ (۱۷/۲ میلیون تن) و آرژانتین ۹/۶٪ (۱۰/۸ میلیون تن). این پنج کشور در حدود ۹۵ میلیون تن از ۱۰۵ میلیون تن صادرات جهان را در دست داشته و دارند. این کشورها با ذخیره ۲۰۰ میلیون تن در سال می‌توانند حالت انحصاری در بازار جهانی به وجود آورند و به میل خود به آنها که می‌خواهند بفروشند و قیمت گندم را کم و یا زیاد کنند.

از آن‌جا که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی

میسر نیست و استیکار جهانی پیوسته کوشیده است که از حربه مواد غذایی علیه ملت‌ها استفاده ننماید، لذا کشورهایی که به نوعی زیر سلطه استعمار قرار دارند، اگر بخواهند خود را از این سلطه رها سازند، باید در تأمین گندم مورد نیاز خود بکوشند و تولید گندم را محور اساسی فعالیت‌های خود قرار دهند. برای انجام این مهم تنها دو راه وجود دارد؛ نخست کنترل شدید جمعیت، دوم تولید بیش‌تر. تولید بیش‌تر از راه‌های زیر حاصل می‌شود:

الف. ایجاد انگیزه<sup>۱۳</sup>.

ب. اضافه کردن سطح زیر کشت (کشت سطحی)<sup>۱۴</sup>.

ج. بالا بردن میزان عملکرد (کشت عمقی)<sup>۱۵</sup>.

د. جلوگیری از ضایعات<sup>۱۶</sup>.

ه. جلوگیری از تفکیک و خرد شدن اراضی و در نقطه مقابل تجمیع و یا یک‌پارچه کردن اراضی کشاورزی.

انگیزه کشت موقعی حاصل می‌شود که کشت گیاهی برای کشاورز سودبخش باشد، ضمناً این سودبخشی باید مداوم باشد، یعنی باید برنامه‌ای برای کشت در سراسر کشور وجود داشته باشد که سطح زیرکشت را کنترل کند. در این راه، صرف نظر از قیمت عادلانه باید محصول کشاورزان در مقابل حوادث طبیعی بیمه و خرید آن تضمین گردد. باید دانست که همیشه با نصیحت نمی‌توان کشاورزی را به کاشت گیاه خاصی واداشت که نتواند جواب‌گوی زندگی ناچیز او باشد. در این صورت یا کشاورز گسیاه دیگری را برای کشت، جایگزین خواهد کرد، یا از کار کشاورزی دست خواهد کشید و روانه شهرها خواهد شد و به زندگی انگلی خواهد پرداخت.

افزایش سطح زیر کشت برای کشاورزان خرده پا امکان‌پذیر نیست و برای سایر افراد نیز، با توجه به کمبود آب و وسایل کشت، خالی از ریسک نمی‌باشد زیرا زمین‌هایی که تاکنون به زیر کشت برده نشده است، به احتمال زیاد از نظر کیفی نیز نامناسب می‌باشند.

افزایش میزان عملکرد در واحد سطح از طرق «بسه‌زراعی»<sup>۱۷</sup> و «بسه‌زادی»<sup>۱۸</sup> امکان‌پذیر است. باید یادآوری شود که حتی به بهای بالا بردن میزان عملکرد، ارزش دارد که از سطح زیر کشت آبی کاسته شود تا سطح باقی‌مانده، از آب و کود و مراقبت‌های بیش‌تری برخوردار گردد. در چنین شرایطی باید از ظرفیت تولید بالقوه بذره‌های اصلاح‌شده استفاده شود. در کشور ما در حالی که میزان متوسط عملکرد زمین‌های آب‌کار چیزی در حدود سه تن می‌باشد، با استفاده از پتانسیل بالقوه بذره‌های اصلاح‌شده، برخی از گندم‌کاران نمونه، توانسته‌اند از هر

هکتار ۱۳ تن گندم برداشت کنند. میزان برداشت گندم در ایران در ده سال گذشته (۱۳۸۱-۱۳۷۲) در حدود ۱۶۰۰ کیلوگرم در هکتار بوده است که یک تن کم‌تر از متوسط جهانی و پنج تن کم‌تر از کشور آلمان است. امید است با تلاش وزارت سازندگی میزان تولید ما حداقل به سطح متوسط جهانی برسد.<sup>۱۹</sup>

جلوگیری یا کاهش ضایعات در مورد نان شامل تهیه نان‌هایی است که تماماً استفاده شود. این گونه از نان‌ها باید از گندم مرغوب با گلوتن<sup>۲۰</sup> کافی و خوب و عاری از تخم علف‌های هرز و با به‌کارگیری آسیای مناسب، خمیرگیر ماهر، (خمیرمایه) و دقت در مهارت در پخت تهیه شود و ضمناً در نگهداری نان باید مراقبت کافی به عمل آید. یکی از علل شکست کشاورزی، روی آوردن کشاورزان به شهرها، خرد شدن اراضی به جهت تقسیم مکرر بین وراث و عدم امکان استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی و به کار نداشتن توصیه‌های مروجان کشاورزی در «بسه‌زراعی» است. یکپارچه کردن زمین‌ها به صورت تعاونی‌های تولید و شرکت‌های سهامی زراعتی مشکل‌گشای این امر است، تا ضمن تجمیع اراضی بتوان به تسطیح آنها و استفاده از ماشین‌های کشاورزی و سیستم‌های برتر آبیاری و... اقدام نمود.

#### فهرست منابع مورد استفاده

۱. انجیل شریف یا عهد جدید، چاپ سوم، ۱۹۸۱ میلادی. (۱۳۶۰ خورشیدی)
۲. انجیل شریف، ترجمه جدید فارسی، تهران، انجمن کتاب مقدس، ۱۳۷۱.
۳. انجیل یوحنا، باب ۶، آیات ۵۸-۴۸.
۴. بهنبا، محمدرضا، «غلات سردسیری»، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۵. پایان، رسول، تکنولوژی فرآورده‌های غلات تهران، نوپردازان، ۱۳۷۷.
۶. تورات، سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۱۹-۱.
۷. توسعه کشاورزی از دیدگاه قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، دانشکده کشاورزی، ۱۳۵۹.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.
۹. سروشیان، جمشید سروش، چاشت، کرمان، ۱۳۷۷.
۱۰. شناسنامه تصوری گندم، وزارت کشاورزی، نشریه شماره ۴، تیرماه ۱۳۷۶.
۱۱. صادقی فروشانی، محمدرضا، بازار جهانی گندم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۶، چاپ اول، آذرماه ۱۳۷۰.
۱۲. کاظم‌زاده ایران‌شهر، حسین تجلیات روح ایرانی.

احتمالاً زرتشتی‌ها به آن درخت مقدس نسبت داده‌اند؛ موجب شده که این درختان از گزند چوب‌برها مصون بمانند و حتی مردم برای نذر و نیاز به سراغ این درخت‌ها می‌روند و برای ثواب و قبول در خواست خود به آن آب می‌دهند.

#### 11. Kissinger

۱۲. پنج شرکت بزرگ به نام‌های: کارگیل، کنتینانتال، آندره، لویی دریموس و بانج می‌باشند که بیش از ۸۰٪ فروش غلات جهان را در دست دارند و اکثر این شرکت‌ها آمریکایی می‌باشند. (مأخذ: کتاب غول‌های غلات، ترجمه امیرحسین جهاننگلو)

#### 13. Stimulus Factors

#### 14. Extensive Agriculture

#### 15. Intensive Agriculture

#### 16. Wastes Control

۱۷. «به‌زراعی» به معنی دقت و مراقبت کافی در امر کاشت، داشت و برداشت محصول از قبیل تهیه زمین، آبیاری کافی و به موقع، تقویت زمین، دفع علف‌های هرز، مبارزه با آفات و امراض و برداشت به موقع می‌باشد.

۱۸. «به‌نژادی» یعنی کاشت گیاهانی که از طریق اصلاح نژاد حاصل شده و توان تولید کمی و کیفی بیش‌تر و بهتری دارند.

۱۹. در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱ از رادیو پیام شنیده شد که وزیر محترم جهاد کشاورزی می‌خواهند طرح خودکفایی گندم را به مجلس ببرند.

#### 20. Geluten



۱۳. کلام‌الله مجید، سوره بوسف، آیات ۴۶ و ۴۷ و سوره بقره آیه ۲۶۱.

۱۴. مورگان، دن، عنوان‌های غلات، ترجمه امیرحسین جهاننگلو، تهران، نشر نو ۱۳۶۷.

۱۵. مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، کلیات دیوان شمس، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲.

۱۶. مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، به اهتمام دکتر توفیق سبحانی، دفتر اول، تهران، انتشارات روزنه.

۱۷. هیلین، اصل و تحول مذاهب.

18. Ward, Bernard. Healing Foods from the Bible New York, NY: Globe Digests 1996.

۱۹. مظفریان، ولی‌الله، فرهنگ نام‌های گیاهان ایرانی (لاتینی، انگلیسی، فارسی)، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۲۰. هاشمی، مسعود، فرهنگ لغات و اصلاحات کشاورزی (انگلیسی - فارسی)، تهران، فرهنگ جامع، ۱۳۷۳.

21. Webster's 9th New Collegiate Dictionary, USA Meriam - Webster Inc, Publishers Springfield MA, USA, 1983.

22. Winburne, John N. A dictionary agriculture and allied terminology, USA, Michigan State University Press, Copyright 1962.

### پی‌نوشت:

1. Jermo

2. Fetishists

3. Animists

۴. دربارهٔ عید فطیر یا فصیح به نقل از لغت‌نامهٔ دهخدا، صفحه ۱۵۱۴۱ چنین آمده است: «عید فصیح در نزد یهودان جشن یادبود خروج بنی اسرائیل از مصر و در نزد مسیحیان جشن یادبود صعود عیسی است. ضمناً این کلمه معرف فصیح عبرانی و معنای آن گذشتن و عبور و نجات است و یهودان این عید را به یاد عبور از بحر احمر و... جشن می‌گیرند.»

۵. چهار کتاب انجیل وجود دارد: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، انجیل یوحنا.

۶. باید توجه داشت که مسیحیان نیز عید فصیح دارند؛ اما با دو برداشت متفاوت.

۷. فرگرد سوم، از بخش یکم و نندیداد، برگرفته از کتاب چاشت، شادروان جمشید سروشیان، صفحات ۱-۴.

۸. فرگرد سوم، از بخش یکم و نندیداد، برگرفته از کتاب چاشت، شادروان جمشید سروشیان، صفحات ۱-۴.

۹. هر چه از جهان نیک است در مفهوم کلی «اش» و با صفت اشون و عالم شر با اصلاح دروج (دروغ) بیان می‌شود (لغت‌نامه دهخدا، صفحه ۲۲۸۸)

۱۰. اعلام نک درخت‌های بنه بسته وحشی در سرکوه‌ها که